

تخفیف مجازات در حقوق کیفری

محمد علی حیدری^۱ - مهدی هادیان^۲

چکیده :

اعمال تخفیف مجازات گاهی اوقات برای دادگاه تکلیف قانونی و الزامی است که از آن به تخفیف قانونی یا اجباری یا تقنینی یا الزامی نام می برند و گاهی اوقات اعمال تخفیف مجازات در اختیار قاضی است و می تواند با تشخیص صلاحدید خود از این تأسیس استفاده نماید یا از آن چشم پوشی کند که این نوع تخفیف را تخفیف قضایی یا اختیاری می نامند . تخفیف مجازات از دو طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات قابل اعمال می باشد. در اعمال تخفیف از طریق تقلیل مجازات تنها میزان مجازات (کمیت آن) کاهش می یابد. (مثلاً مجازات حبس سه ساله به یک سال تقلیل می یابد) حال آنکه ، در اعمال تخفیف مجازات از طریق تبدیل مجازات ، یک نوع مجازات (از لحاظ طولی) به نوع دیگری مبدل می شود. (مثلاً مجازات جزای نقدی جایگزین حبس می گردد) . در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ، حدود و میزان (کمیت و کیفیت) تقلیل و تبدیل مجازات های تعزیری و بازدارنده تعیین نشده و انتهای برای تقلیل و تبدیل وجود ندارد و بنا به تشخیص دادگاه بوده و فقط نباید منجر به حذف مجازات شود . ولی در قوانین دیگر از مجموعه قوانین جزایی همچون ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و مواد ۳، ۴ و ۵ و ... قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ، برخلاف ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ، در خصوص حدود و میزان تخفیف مجازات ، مقررات خاصی وجود دارد. در واقع قانونگذار برای تقلیل و تبدیل مجازات ها حدود و میزانی را در نظر گرفته است و دادگاهها مجبور به رعایت آنها می باشند.

واژگان کلیدی : تخفیف مجازات ، تخفیف قانونی، تخفیف قضایی ، تقلیل مجازات ، تبدیل مجازات.

^۱ - استادیار گروه فقه دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

^۲ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

بنابر اصل قانونی بودن مجازات ها ، پس از احراز جرم ، دادگاه اقدام به صدور حکم محکومیت براساس مجازات مندرج در قانون می نماید. این مجازات ها که از آنها تحت عنوان مجازاتهای اصلی یاد شده معمولاً در جرایم تعزیری و بازدارنده بین حداقل و حداکثر در نوسان است. و دادگاه در شرایط معمولی مجازات را بین این حداقل و حداکثر تعیین می نماید و دارای اختیار کامل است بدون اینکه برای تعیین حداقل یا حداکثر مجازات مجبور به رعایت شرایطی باشد. البته طبیعی است که عواملی از قبیل شخصیت بزهکار ، داشتن یا نداشتن سابقه ، وضعیت خاص بزهکار و ... می توانند در این تصمیم گیری نقش غیر قابل انکاری داشته باشند. اما گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال در پرونده کیفری به گونه ای است که دادگاه تشخیص می دهد میزان مجازاتی که قانون برای ارتکاب بزه تعیین نموده مناسب به حال مرتکب نیست و در حقیقت با اعمال این مجازات قانونی نمی توان به اهداف و مقاصد مجازات دسترسی پیدا نمود. مثلاً فردی که برای اولین بار و به علت نیاز دست به ارتکاب سرقت زده و بعد به علت ندامت و پشیمانی ، خودش را معرفی و اموال مسروقه را رد نموده و سرپرست خانواده خود می باشد و ... با فردی که علیرغم بی نیازی و برای چندمین بار است که دست به ارتکاب سرقت می زند و ارفاقات و مجازاتهای قبلی نیز تأثیری در وی نهماده و ... از نظر دادگاه دارای تفاوت های بسیاری می باشند. همان قدری که فرد اول مستحق ارفاق و ... می باشد ، فرد دوم برعکس هیچ بهره ای از این ارفاقات نباید ببرد. بدین لحاظ قانون که تبلور توقعات اجتماعی است علی الاصول صرفنظر از توسل به اصل تساوی مجازاتها ، نسبت به افراد در تحمل کیفر تفاوت قائل می شود و در راستای فردی کردن بیشتر مجازاتها قانونگذار تأسیساتی را از قبیل سبب های معافیت از مجازات ،

تخفیف مجازات ، کیفیات مشدده ، تعلیق مجازات ، آزادی مشروط و ...
پیش بینی نموده است.

همانطور که بیان گردید ، از جمله تأسیساتی که در راستای اصل فردی کردن مجازات ها ، در اختیار دادگاه گذاشته شده است ، اعمال تخفیف مجازات می باشد. قانونگذار در راستای همین تأسیس ، دست به تدوین مواد قانونی از جمله ؛ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ، ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری و ... زده است . در واقع قانونگذار از یک طرف اعمالی را جرم دانسته و برای آنها مجازاتی بین حداقل و حداکثر در نظر گرفته است و از طرف دیگر در کنار این قاعده ، ابزار مهم تخفیف مجازات را در اختیار قاضی قرارداد تا بتواند در اوضاع و احوال خاصی ، از حداقل مجازات قانونی پایین تر بیاید و یا مجازات قانونی را تبدیل به مجازات دیگری نماید.

بنابراین در این مقاله با عنوان (تخفیف مجازات در حقوق کیفری) سعی شده است اصول کلی تخفیف مجازات در نظام کیفری ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱) تعریف تخفیف مجازات

تخفیف یا تخفیف دادن در لغت به معنای: سبک کردن ، سبکبار ساختن ، کاستن، کم کردن قیمت چیزی، تسکین دادن، ملایمت کردن و آرام کردن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵۷).

تخفیف مجازات در اصطلاح حقوقی یعنی اینکه به موجب قانون مربوط به جرایم ارتكابی از سوی مجرمین ، نوع و میزان مجازات اصلی در صورت وجود جهات مخففه از سوی مقام قضایی به مجازات دیگری که مناسب تر به حال مرتکب جرم و متناسب با مجازات اصلی بوده باشد تقلیل و یا تبدیل گردد. (رضوی، ۱۳۸۵ ، ص ۴۱). در واقع می توان گفت که تخفیف مجازات حقی است مشروط برای مجرم که

در صورت وجود شرایط مقرر و فقدان موانع، دادگاه باید نسبت به اجرای آن براساس مروت یعنی حسن و قبح عرفی و اجتماعی و لحاظ مجموعه شرایط و اوضاع و احوال حاکم به قضیه اقدام کند. (آقایی نیا، ۱۳۸۳، ص ۳).

با توجه به اینکه تخفیف مجازات معمولاً به دو طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات قابل اعمال و اجرا می باشد، بنابراین در ذیل تعریف تقلیل و تبدیل مجازات بیان می شود.

۱-۱) تعریف تقلیل مجازات (تخفیف تقلیلی مجازات)

یکی از طرق اعمال تخفیف مجازات، تقلیل مجازات مقرر در قانون می باشد. تقلیل در لغت به معنای کم کردن، کاستن، سبک کردن می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵۷)

در اصطلاح تقلیل مجازات (تخفیف مجازات) نیز عبارت است از تنزل کیفر از حداقل مجازات قانونی مقرر برای هر جرم. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۴).

از این رو تعریف فوق مشتمل بر دو نکته اساسی است:

۱- در تخفیف مجازات از طریق تقلیل مجازات، نوع مجازات اصلی مقرر در قانون هیچ تغییری پیدا نمی کند، بلکه میزان آن تقلیل می یابد. (البته تقلیل در حدود و میزانی است که قانون مربوطه مقرر داشته است). مثلاً در فرضی که مجازات قانونی جرمی ۲ سال حبس تعیین شده باشد و دادگاه در صورت وجود جهات مخففه آنرا به ۱ سال حبس تقلیل دهد، تخفیف مجازات به طریق تقلیل مجازات صورت گرفته است.

۲- تخفیف مجازات از طریق تقلیل مجازات، ممکن است قانونی (اجباری) و یا قضایی (اختیاری) باشد. در واقع اعمال تخفیف مجازات از طریق مذکور گاهی

اوقات برای دادگاه تکلیف قانونی و الزامی می باشد. همچون تقلیل مجازات مندرج در حکم صادره تا یک چهارم به موجب ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ و گاهی اوقات اعمال تخفیف در اختیار قاضی است همچون تقلیل مجازات مندرج در قانون به موجب ماده ۲۲ ق. م. ا.^۳

۲-۱) تعریف تبدیل مجازات (تخفیف تبدیلی مجازات)

یکی از طرق اعمال تخفیف مجازات، تبدیل مجازات مقرر در قانون می باشد. تبدیل در لغت به معنای بدل کردن یا عوض کردن چیزی به چیزی یا دگرگون ساختن چیزی و تغییر آن است و مترادف بدل و عوض و جانشین محسوب شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵۷).

در اصطلاح تبدیل مجازات نیز عبارت است از تغییر ماهیت مجازات به نوع دیگری مجازات که مناسب تر به حال متهم باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۶). و یا بررسی علل و موجباتی است که به موجب قانون و یا به نظر دادگاه مجازات مقرر به نوع دیگری، تغییر پیدا می کند.

از این رو تعریف فوق مشتمل بر دونکته اساسی است:

۱- در تخفیف مجازات از طریق تبدیل مجازات، نوع مجازات اصلی به مجازات دیگری که مناسب تر به حال متهم باشد، تبدیل می گردد. به عبارت روشن تر، هرگاه یک نوع مجازات (مثلاً مجازات حبس) به نوع دیگری مجازات (مثلاً جزای نقدی) مبدل شود، می گوئیم تبدیل مجازات صورت گرفته است.

۲- تخفیف مجازات از طریق تبدیل مجازات (همانند تقلیل مجازات)، ممکن است قانونی (اجباری) و یا قضایی (اختیاری) باشد. در واقع تبدیل مجازات گاهی اوقات

^۳ - علامت اختصاری ق.م.ا مترادف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ می باشد.

برای دادگاه تکلیف قانونی و الزامی می باشد. همچون تبدیل مجازات های حبس تعزیری موضوع تخلفات رانندگی (به استثنای تبصره ذیل ماده ۷۱۸ ق.م.ا) به جزای نقدی به موجب بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، و گاهی اوقات تبدیل مجازات در اختیار قاضی است یعنی قاضی به اختیار خود به جای مجازات مقرر در قانون، مجازات دیگری را تعیین می کند. همچون تبدیل مجازات مندرج در قانون به مجازات دیگری به موجب ماده ۲۲ ق.م.ا.

با اندک تأمل در مطالب فوق الذکر، معلوم می شود که تبدیل مجازات همواره متضمن نوعی تخفیف یا تقلیل مجازات است، به عبارت دیگر، مجازاتی که در تبدیل مجازات به جای مجازات قبل قرار گرفته، خفیف تر است.

۲) سابقه تاریخی و سیر تحول تخفیف مجازات

۲-۱) سابقه تاریخی تخفیف مجازات

تخفیف مجازات در حقوق اسلام نیز به کرات در آیات بچشم می خورد که نمونه هایی از آن آورده می شود.

(وما ارسلناک الا رحمه للعالمین) که در این آیه خداوند به پیامبر (ص) می فرماید که ما تو را برای رحمت بر جهانیان فرستادیم که نشانگر بر خورد مناسب و همراه با رحمت و عطف و شفقت با مردم است. (راوندی، ۱۳۶۸، ص ۱۰)

(یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً).^۴

در این آیه خداوند از خواست و اراده خود مبنی بر سهل گیری و تخفیف نسبت به مردم، بیان می کند.

^۴ - سوره انبیاء، آیه ۱۰۷

بشر از همان اول ، در روابط با دیگران ، شفقت پیشه نمود ، تا جائیکه گوئی مفاهیمی چون مهربانی ، گذشت ، آسان گیری ، تسامح ، تخفیف همزاد آدمی بوده اند حتی در دورانی که هرج و مرج حکمفرما بوده واجتماعات منظم و متشکلی وجود نداشته و همینطور در زمان حکومت‌های دیکتاتوری و استبدادی انسان در مقام قضاوت و داوری ، عطف و ملاحظاتی نسبت به هم‌نوع خود روا داشته است.^۵

مطالعه در تاریخ گذشتگان به ما این نکته را نشان می دهد که همواره در میان انسانهای قدیمی نمونه هایی از تبدیل مجازاتها به مجازات دیگر (تخفیف تبدیلی) وجود داشته است ، هرچند که آن تبدیل مجازاتها شکل سازماندهی شده و دقیقی نداشته اما نشان می دهد که همواره انسانها تحت شرایطی مایل و یا حتی مجبور بوده اند که یک شکل خاصی از مجازات را بر یک مجرم بار نکنند و از طرق دیگر و به اشکال دیگر مجرم را مجازات کنند. در ذیل نمونه هایی آورده می شود که شاهد بر این مدعاست.

در عصر رومیان نیز تبدیل مجازات معمول بوده است زیرا در قانون الواح دوازده گانه رومیان، در بعضی موارد قصاص به دیه اجباری تبدیل می شد. البته باید اضافه کرد که جایگزینی دیه بعوض نظام قصاص در نزد رومیان پس از طی مراحل تکامل مبنی بر رضایت اولیای مقتول و یا خود مجنی علیه صورت گرفته است.

در عصر جاهلیت برای جانی و قبیله اش این امکان وجود داشت که با توافق مجنی علیه و یا اولیاء او ، پرداخت دیه جایگزین قصاص گردد. (فقیه نجیری ، ۱۳۵۱، ص ۵۲ و ۱۰).

^۵ - (اما باید اذعان داشت که در جماعت‌های اولیه ، مجازات‌ها بسیار شدید بوده است ، زیرا آن مردم بر حیات خود تأمینی نداشته و به همین جهت ، هر اندازه نظام اجتماعی مستقر گشته ، از شدت مجازاتها کاسته شده است).

تبدیل مجازات در ایران باستان نیز سابقه داشته است در عهد پارسیان، برای تأمین حقوق قضات، غالباً بجای شلاق زدن، جزای نقدی گرفته می شد و هر ضربه شلاق را با مبلغی معادل شش روپیه مبادله می کردند. (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ص ۴۱۹).

در دین ایرانیان باستان چنین آمده است:

«کسی از پارس ها حق ندارد تنها به موجب یک جرم کسی را به گونه ای مجازات کند که جبران ناپذیر باشد، به هنگام کیفر و مجازات لازم است دقت در اعمال نیک و بد مقصر بعمل آید». همچنین آشکار کردن همدستان مجرم (چون شرکا و معاونین) موجب تخفیف مجازات بوده است. (پرورش، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲).

۲-۲) سیر تحول تخفیف مجازات

۱-۲-۲) تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون اصلاحی ۱۳۵۲

مواد ۴۴، ۴۵، ۴۶ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، حسب مجازاتهای مختلف در موارد جنایات و جنجه ها تخفیف قائل می شدند. به عنوان مثال ماده ۴۶ قانون مذکور مقرر داشته بود: «در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال بود و کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی شد و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل می گردید مگر اینکه حکم برای قتل عمدی صادر شده بود».

همچنین مواد ۴۵ و ۴۶ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ تخفیف را پیش بنی کرده بودند. به عنوان مثال به موجب ماده ۴۶ قانون مذکور دادگاه می توانست مجازاتهای جنایت و جنجه را به طریق زیر تخفیف دهد:

۱- اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه یک

۲- حبس دائم به حبس جنایی درجه یک یا دو

۳- حبس جنایی درجه یک به حبس جنایی درجه دو که بیش از سه ماه نباشد یا حبس جنحه ای که کمتر از دو سال نباشد.

۴- حبس جنایی درجه دو به حبس جنحه ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد.

۵- حبس جنحه ای تا حداقل حبس مزبور یا حداقل جزای نقدی».

۲-۲-۲) تخفیف مجازات در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱

در سال ۱۳۶۱، حقوق جزای ایران کاملاً متحول شد و ابواب چهارگانه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات وارد متون کیفری شد. قانونگذار اسلامی با عنایت به مجموع منابع حقوق جزای اسلامی و اقتباس از قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مفهوم تخفیف مجازات را در قالب عبارات و اصطلاحات مخصوص فقهی مطرح نمود. در این قانون علل و جهات مخففه کیفری، به همان صورتی که در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مطرح بود آورده شد.

قلمرو تخفیف مجازات (در قانون راجع به مجازات اسلامی) محدود به مجازات تعزیری گردید و بدین ترتیب تخفیف مجازات در ابواب ثلاثه (حدود، قصاص، دیات) پذیرفته نشد.

۲-۲-۳) تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

سرانجام در سال ۱۳۷۰ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی جانشین ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی شده و تغییراتی در ماده سابق ایجاد نمود، از جمله مجازاتهای باز دارنده را در کنار مجازاتهای تعزیری قابل تخفیف دانسته و بعلاوه تبدیل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده را بنحو موسع پذیرفته است. و در حال حاضر براساس این قانون تخفیف مجازات اعمال می گردد.

۳) انواع و طرق اعمال تخفیف مجازات

در این قسمت انواع تخفیف مجازات و همچنین طرق اعمال تخفیف مجازات بررسی می شود:

۳-۱) انواع تخفیف مجازات

در راستای اصل فردی کردن مجازات ها، یکی از ابزارهای مهمی که در اختیار دادگاه گذاشته شده است اعمال تخفیف می باشد. اعمال تخفیف گاهی اوقات برای دادگاه تکلیف قانونی و الزامی است که از آن به کیفیات مخففه (تخفیف) قانونی یا اجباری یا تقنینی یا الزامی و یا معاذیر قانونی تخفیف دهنده نام می برند و گاهی اوقات اعمال تخفیف در اختیار قاضی است و می تواند با تشخیص و صلاحدید خود از این تاسیس استفاده نماید یا از آن چشم پوشی کند که این نوع تخفیف را تخفیف قضایی یا اختیاری می نامند. (مالمیر، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در مقایسه بین تخفیف قانونی و تخفیف قضایی باید گفت که کیفیات مخففه قضایی (تخفیف قضایی) از بعضی جهات با معاذیر قانونی تخفیف دهنده (تخفیف قانونی) شباهت دارد. همچنانکه معاذیر قانونی تخفیف دهنده موجب تنزل مجازات به کمتر از حداقل است، رعایت کیفیات مخففه قضایی نیز موجب تقلیل مجازات به کمتر از حداقل مقرر در متن قانون می باشد. تفاوت کیفیات مخففه قضایی نسبت به معاذیر قانونی تخفیف دهنده در این است که معاذیر قانونی تخفیف دهنده عمومیت ندارد و فقط در جرایم خاص و معینی الزامی است حال آنکه کیفیات مخففه قضایی اوضاع و احوالی هستند که قانونگذار پیش بینی نموده است که بواسطه وجود آنها دادگاه می تواند مجازات را به کمتر از حداقل در هر جرمی تخفیف دهد. بنابراین کیفیات مخففه قضایی اختیاری و منوط به تشخیص دادگاه و در کلیه جرایم صادق است و معاذیر مخففه قانونی حصری، اجباری و با پیش بینی قانون، دادگاه مکلف به

اعمال و تخفیف مجازات به کمتر از حداقل است. (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۱؛ باهری، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱).

۳-۱-۱) تخفیف قانونی یا اجباری مجازات

تخفیف قانونی یا اجباری، تخفیف هایی است که دادگاه در صورت وجود کیفیات و شرایطی که قانون پیش بینی نموده است، مجبور به اعمال آنها می باشد و عدم اعمال آنها تخلف قاضی محسوب می گردد. (مالمیر، ۱۳۸۴، صص ۵۹ و ۵۸).

حقوقدان دیگری در این رابطه می گوید: گاهی کیفیت و شرایط ارتکاب جرم معینی و وضع روحی و اجتماعی مرتکب به نحوی است که مقتضی است در میزان مجازات مرتکب تقلیل داده شود. علل وجهاتی که مجوز تخفیف مجازات در بعضی جرایم خاص است، معاذیر قانونی تخفیف مجازات نامیده می شود. اجرای معاذیر قانونی تخفیف دهنده مجازات برای دادگاه الزامی است. به طوری که مرجع قضایی ناگزیر است مجازات را به میزان تعیین شده تقلیل دهد. معاذیر قانونی مزبور فاقد جنبه کلی و عمومی بوده و منحصرأً به جرم خاصی مربوط می شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۴).

مواردی که قانونگذار با کیفیات و علل وجهات مختلف، موجبات تخفیف قانونی مجازات را فراهم نموده است، به صورت متفرقه در مجموعه قوانین جزایی مشاهده می گردند. به عنوان نمونه، تخفیف قانونی مجازات به لحاظ عذر همکاری (موضوع ماده ۵۳۱ ق. م. ا.)، به لحاظ انصراف از ادامه جرم (موضوع مواد ۵۸۵ ق. م. ا. و تبصره ۲ ماده ۴۱ ق. م. ا.)، به لحاظ اقدام برای کاهش آثار جرم (موضوع تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق. م. ا.)، به لحاظ عذر خانوادگی (موضوع ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶) و به لحاظ اسقاط حق تجدید نظرخواهی (موضوع ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶) و ... را می توان متذکر شد.

مثلاً قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص تخفیف قانونی مجازات به لحاظ اقدام مرتکب برای کاهش آثار جرم، چنین مقرر داشته: «هرگاه راننده، مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود».

۳-۱-۲) تخفیف قضایی یا اختیاری مجازات

تخفیف قضایی یا اختیاری همان طور که از نام آن پیداست اعمال تخفیف یا تبدیل مجازات (تخفیف مجازات) در اختیار دادگاه است و قاضی مجبور به اعمال تخفیف و یا تبدیل نمی باشد. البته باید توجه داشت هر چند اعمال تخفیف یا تبدیل در اختیار قاضی است لکن به شرطی می توان مجازات را تخفیف داد یا تبدیل به نوع دیگری نمود که شرایط مندرج در قانون احراز گردیده باشد. به عبارت دیگر با احراز شرایط وجوهات مندرج در قانون اعمال تخفیف یا تبدیل میسر خواهد بود نه قبل از احراز شرایط و جهات تخفیف. (مالیر، ۱۳۸۴، صص ۶۳ و ۶۲).

برای اعمال تخفیف قضایی مجازات، ماده عمومی آن ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می باشد که چنین مقرر می دارد: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتی به حال متهم باشد...». البته در قوانین جزایی دیگر نیز تخفیف قضایی مجازات وجود دارد. به عنوان نمونه، تخفیف قضایی موضوع ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، مواد

۳، ۴، ۵، ۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و ... را می توان نام برد.

۳-۲) طرق اعمال تخفیف مجازات

تخفیف مجازات معمولاً به دو طریق قابل اعمال و اجرا می باشد که عبارتند از :

۳-۲-۱) تخفیف از طریق تقلیل مجازات (تخفیف تقلیلی مجازات)

در این نوع تخفیف، نوع مجازات اصلی هیچ تغییری پیدا نمی کند بلکه میزان آن تقلیل می یابد (از حداقل مجازات مقرر قانونی پایین تر می آید). (رضوی، ۱۳۸۵، ص ۴۱) مثلاً وقتی قانون می گوید از ۱۰ تا ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی، اعمال تخفیف از طریق تقلیل یعنی تعیین جزای نقدی کمتر از ۱۰ میلیون ریال، یا وقتی که قانون می گوید از ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق، اعمال تخفیف از طریق تقلیل یعنی کمتر از ۲۰ ضربه شلاق تعیین نمودن و وقتی قانون می گوید از ۱ تا ۵ سال حبس، تخفیف از طریق مذکور یعنی تعیین حبس کمتر از ۱ سال.

شعبه پنجم دیوان عالی کشور نیز در دادنامه شماره ۱۵۰۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۹ خود اظهار داشته که دادگاه در صورت اعمال تخفیف مجازات باید مجازات را کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون، تعیین نماید: « رعایت ماده مربوط به تخفیف و عدم تقلیل موجب نقض دادنامه است، بنابراین در موردی که دادگاه نظر به تخفیف مجازات دارد و به ماده مربوط به تخفیف استناد می کند حتماً باید مجازات را از حداقل پایین تر بیاورد». (المیر، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

۳-۲-۲) تخفیف از طریق تبدیل مجازات (تخفیف تبدیلی مجازات)

در این نوع تخفیف، نوع مجازات اصلی به مجازات دیگری که مناسب تر به حال متهم باشد، تبدیل می گردد (رضوی، ۱۳۸۵، ص ۴۱) مثلاً دادگاه مجازات جرمی را از

شلاق به حبس یا جزای نقدی و یا کیفر دیگری تبدیل کند همچنانکه، برعکس، حبس یا جزای نقدی را می تواند به شلاق و یا مجازات مناسب دیگری مبدل سازد. البته باید دانست که برای تبدیل مجازات نباید ابتدا مجازات را تقلیل داد و بعد تبدیل نمود، بلکه در ابتدا می باید اقدام به تبدیل مجازات نمود. در این خصوص اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۷۴ مورخ ۱۳۷۳/۵/۷ خود می گوید: «دادگاه مجاز نیست هم مجازات جرم ارتكابی را به کمتر از حداقل تخفیف دهد و هم مجازات جرم اخیر را به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید».

۴) حدود تخفیف مجازات

با توجه به اینکه تخفیف مجازات از طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات اعمال میگردد، لذا حدود و میزان تخفیف مجازات را با توجه به طرق مذکور مورد بررسی قرار می دهیم.

۴-۱) حدود اعمال تقلیل مجازات (حدود تخفیف تقلیلی مجازات)

قانونی با ذکر جمله «دادگاه ... می تواند مجازات را تخفیف دهد»، تخفیف و حدود آن را برعهده دادگاه گذاشته است. سوال این است که دادگاه تا چه میزان باید به تقلیل مبادرت نماید؟ آیا می تواند از حداقل مجازات مقرر در قانون نیز پایین تر بیاید؟

در قانون مجازات اسلامی به تبعیت از اینکه اصولاً تعزیرات از لحاظ فقهی بما یراه الحاکم است، در نتیجه میزان تقلیل مجازات در اختیار محاکم می باشد. از نظر میزان و حدود تقلیل مجازات توسط دادگاه مفاد ماده ۲۲ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ محدودیتی در این زمینه قائل نشده و صراحتاً اعلام می دارد: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد...». چنین استنباط می شود که دادگاه حق تعیین مجازات را به کمتر از حداقل مجازات

قانونی دارد، بدون اینکه بتواند بزهکار را با وجود محکومیت، به کلی از مجازات معاف نماید و لذا میزان کیفر با پیروی از اهداف قانونی تعیین می شود و می توان گفت: تخفیف مجازات (تخفیف تقلیلی مجازات) عبارت از تنزل کیفر از حداقل کیفر قانونی است. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۸).

تخفیف مجازات (تخفیف تقلیلی مجازات) به این معنی است که مجازات حتماً باید از حداقل مجازات مقرر در قانون، پایین تر تعیین شود. به عبارت دیگر چنانچه مجازات جرمی بین حداقل و حداکثری تعیین شده باشد، اعمال حداقل مجازات به معنی تخفیف مجازات نیست و از موجبات نقض دادنامه محسوب می گردد و حتماً چنانچه دادگاه می خواهد اعمال تخفیف نماید باید این مجازات از حداقل مقرر در قانون پایین تر باشد. اما تا چه حد پایین تر، قانون مشخص نکرده و ظاهراً انتهای برای این تخفیف وجود ندارد و فقط نباید منجر به حذف مجازات شود. مثلاً وقتی قانون می گوید از ۱۰ تا ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی، اعمال تخفیف یعنی جزای نقدی کمتر از ۱۰ میلیون ریال حتی تا یک ریال، یا وقتی که قانون می گوید از ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق، اعمال تخفیف یعنی کمتر از ۲۰ ضربه شلاق تعیین نمودن تا یک ضربه و وقتی قانون می گوید از ۱ تا ۵ سال زندان، تخفیف یعنی تعیین کمتر از یک سال حبس تا مثلاً یک روز و الخ ... (مالیر، ۱۳۸۴، ص ۶۷). در این خصوص اداره حقوقی قوه قضایه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۵۴ مورخ ۱۳۶۹/۶/۲۵ بیان داشته: «منظور از تخفیف این است که میزان مجازات از حداقل معین شده در قانون کمتر و خفیف تر باشد و تعیین مقدار کمتر از حداقل و یا تبدیل به نوع دیگر که از حداقل مجازات قانونی اخف باشد در اختیار دادگاه است». همچنین در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۷/ ۱۵۸۵ مورخ ۱۳۷۵/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضایه چنین است: «تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی در اختیار قاضی است که با توجه به شرایط موجود در پرونده اعمال می کند، اما منظور از تخفیف مجازات کمتر از

حداقل یا تبدیل مجازات به مجازات اخف از نوع دیگر می باشد». (ارباطی، ۱۳۸۴، ص

۲۰۷)

باید توجه داشت گاهی اوقات قانونگذار برای تعیین مجازات حداقلی را در نظر نمی گیرد. مثلاً ماده ۷۱۱ ق.م.ا در قسمت مجازات بیان می دارد که ... یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند و یا ماده ۷۲۳ ق.م.ا مقرر می دارد که ... یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال ... محکوم خواهد شد، در این گونه موارد که مجازات قانونی حداقل ندارد، اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا برای تخفیف مجازات (تخفیف تقلیلی مجازات) بدون وجه می باشد چرا که در مثال های فوق تعیین یک ضربه شلاق و یا یک ریال جزای نقدی بدون اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا نیز میسر خواهد بود و اصولاً نیازی به اعمال این ماده نیست مگر اینکه بخواهیم از ماده ۲۲ برای تبدیل مجازات استفاده نماییم.^۶

البته هر چند مطابق ماده ۲۲ ق.م.ا (که در این رابطه قانون عام است) حدود و میزان تقلیل مجازاتها مشخص نشده است، لیکن در قوانین دیگر از مجموعه قوانین جزایی و به صورت متفرقه، قوانینی را می توان متذکر شد که در خصوص حدود و میزان تقلیل مجازات، مقررات خاصی را پیش بینی نموده اند. در تعدادی از این قوانین و برخلاف ماده ۲۲ ق.م.ا برای اعمال تخفیف، حداقلی در نظر گرفته شده و دادگاه نمی تواند با اعمال تخفیف از آن چه که قانونگذار به عنوان حداقل تعیین نموده مجازاتی کمتر در نظر بگیرد. به عنوان مثال، به موجب ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، دادگاه مجازاتهای تعزیری مقرر در قانون مذکور را فقط تا نصف حداقل مجازات آن جرم می تواند تقلیل دهد: «دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات های تعزیری مقرر در این قانون را

^۶ - مواد ۵۴۰، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۹، ق.م.ا از جمله مثالهای قانونی دیگری است که در آنها اعمال تخفیف از طریق تقلیل مجازات در مورد شلاق غیر ممکن خواهد بود.

تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد و در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد، همان مجازات تا نصف تخفیف می یابد». همچنین مواد ۳ و ۴ و ۵ ... قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، در خصوص حدود میزان تقلیل و تبدیل مجازات های مقرر در قانون مذکور، تعیین تکلیف نموده است. به عنوان مثال، به موجب مواد ۳ و ۴ و ۵ قانون مذکور، دادگاه می تواند مجازات های حبس مقرر در قانون را فقط تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم، تقلیل دهد. ماده ۳ قانون مذکور مقرر داشته: «در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون تا ۲ سال است دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و...».

۴-۲) حدود اعمال تبدیل مجازات (حدود تخفیف تبدیلی مجازات)

گاهی دادگاه از طریق تبدیل مجازات، مجازات قانونی را تخفیف می دهد. مثلاً دادگاه تشخیص می دهد مرتکب جرم نباید شلاق بخورد، حبس نباید بشود و در این صورت مجازات او را تبدیل می کند. مجوز این مورد هم در ماده ی ۲۲ ق.م.ا. ذکر شده است. همانطور که قبلاً بیان گردید، با استناد به ماده مذکور نه تنها می توان مجازات را تقلیل داد (تخفیف از طریق تقلیل مجازات)، بلکه می توان مجازات تعزیری یا بازدارنده را به مجازات دیگری تبدیل نمود (تخفیف از طریق تبدیل مجازات). ماده مذکور مقرر داشته: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد».

در ماده ۲۲ ق.م.ا. که به منزله قانون عام است، برای اعمال تبدیل مجازات معیار خاصی وجود ندارد و به تشخیص دادگاه است. در واقع در این ماده، حدود و میزان تبدیل مجازات، به هیچ وجه پیش بینی نگردیده است به این دلیل که، در ماده مذکور، بطور کلی اجازه تبدیل، در مجازاتهای تعزیری و یا بازدارنده داده شده

وبدین سان، «نوع و میزان تبدیل مجازات» به اختیار دادگاه واگذار شده است. دادگاه اختیار کامل داشته و می تواند به عنوان مثال مجازات جرمی را از شلاق به حبس یا جزای نقدی و یا کیفر دیگری تبدیل کند همچنانکه، برعکس، حبس یا جزای نقدی را میتواند به شلاق و یا مجازات مناسب دیگری به نظر خود مبدل سازد. (نوربها، ۱۳۷۸، ص ۴۳۵) و یا مجازات قانونی جرمی مثلاً شش ماه تا سه سال حبس تعیین شده است، دادگاه با تبدیل مجازات در یک مورد مبلغ پنجاه هزار ریال و در مورد دیگر ده میلیون ریال جزای نقدی تعیین نماید، هر دو مورد قانونی است و مشکلی نخواهد داشت.

سوال: شرط تبدیل مجازات چیست؟ آیا دادگاه می تواند مجازات حبس را تبدیل به اعدام کند و مرجع تشخیص این که کدام مجازات مناسبتر برای مجرم است، کیست؟

در این مورد دادگاه ها دو گونه رفتار می کنند (وقتی می خواهند مجازات کسی را تبدیل کنند) در غالب موارد از خود متهم می پرسند، مثلاً مجازات جرمی شلاق است از او می پرسند شلاق را می خواهی یا جریمه می دهی که اگر پول داشت مجازات شلاق را به جریمه ی نقدی تبدیل می کنند. برای تشخیص اینکه کدام مجازات مناسب تر است گاهی دادگاه با متهم کاری ندارند و براساس تشخیص خود عمل می کنند. وضعیت وی را می سنجند و براساس آن عمل می کنند. (ساک، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸) به نظر نگارنده رفتار اول بهتر می باشد و دادگاه باید تمایلات متهم را نیز مدنظر قرار دهد، چرا که در هر حال دادگاه می خواهد ارفاقاتی به حال وی در نظر بگیرد، فلذا نمی تواند بدون در نظر گرفتن تمایلات وی اقدام به تبدیل مجازات نماید. مثلاً چنانچه متهمی به هیچ وجه تحمل مجازات شلاق را نداشته باشد، تبدیل مجازات حبس به شلاق نمی تواند در جهت اهداف اعمال تخفیف و یا تبدیل مجازات حبس به شلاق نمی تواند در جهت اهداف اعمال تخفیف و یا تبدیل

مجازات باشد. فلذا همانطور که بیان شد دادگاه باید هنگام اعمال تبدیل مجازات تاحدودی به خواسته های متهم نیز توجه نماید. (مالمیر، ۱۳۸۴، ص ۸۵). (امروزه به غلط بحث خریدن مجازات در بین عوام مطرح شده که این تبدیل مجازات رابه معنای خرید مجازات می دانند که غلط و کاملاً غیر حقوقی است).

با عنایت به مراتب فوق الذکر، در شرایط فعلی، قاضی کیفری براحتی می تواند جرایمی که مجازات تعزیری آن «اعدام و یا مثلاً حبس ابد» است، به مقدار ناچیزی جزای نقدی تبدیل نماید، با این توصیف، هیچ گونه تضمینی هم وجود ندارد که قاضی کیفری را از دادن تبدیل های ناروا و غیر متناسب برحذر دارد. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۴۵۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۳ در این خصوص می گوید: «در صورتی که مجازات اعدام عنوان تعزیر یا بازدارنده داشته باشد، دادگاه می تواند با استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی آن را به حبس تبدیل کند، لیکن اگر مجازات اعدام از باب قصاص یا حد باشد، تمسک به ماده ۲۲ یاد شده و جاهت قانونی ندارد». (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

مطلب دیگری که باید به آن توجه نمود این است که هر چند مطابق ماده ۲۲ ق.م.ا حدود و میزان تبدیل مجازاتها مشخص نشده است، ولی در قوانین دیگر از مجموعه قوانین جزایی و به صورت متفرقه، قوانینی را می توان متذکر شد که در خصوص حدود و میزان تبدیل مجازات، مقررات خاصی را پیش بینی نموده اند، لذا در جهت تبدیل مجازات ها باید به مقررات خاص توجه داشت. در واقع در مواردی حدود و میزان تبدیل مجازات از حیث کم و کیف به وسیله قانونگذار تعیین گردیده است. به عنوان مثال، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ نوع و میزان تبدیل قانونی مجازات کاملاً رعایت شده و از این نظر الگوی قانونی و مناسبی برای تبدیل مجازات ها به حساب می آیند. زیرا مثلاً در بند یک ماده ۳ قانون مذکور کلیه جرایمی که مجازات آنها کمتر از ۹۱ روز

حبس باشد، قابل تبدیل به جزای نقدی از نهمصد هزار ریال تا سیزده میلیون ریال [مبلغ مصوب سال ۱۳۸۹] خواهد بود. همچنین قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در خصوص حدود و میزان تبدیل مجازاتهای مقرر در قانون مذکور، تعیین تکلیف نموده است. به عنوان مثال، حدودی و میزان مجازاتهای بدل از حبس های «بیش از پنج سال» به موجب بندهای الف و ب ماده ۵ قانون مذکور مشخص گردیده است. ماده مذکور در این خصوص مقرر داشته: «در تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات حبس را به یکی از مجازاتهای ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف) در مورد کارکنان پایور:

۱- جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰/) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/) ریال.

۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال

۳- تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه ...

۴-.....^۷

^۷ - نمونه هایی از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص حدود تخفیف مجازات (تقلیل و یا تبدیل مجازات):

۱- نظریه مشورتی ۷/۲۳۹۸ مورخ ۱۳۷۰/۵/۱۲:

«دادگاه حق حذف مجازات قانونی را در مقام تخفیف ندارد».

۲- نظریه شماره ۱۶۵۴/ ۷/ مورخ ۱۳۶۹/ ۶/۲۵:

۵) علل و جهات تخفیف مجازات

با توجه به انواع تخفیف مجازات که قانونی (اجباری) و قضایی (اختیاری) می باشد، علل و جهات تخفیف مجازات، به دو قسم قانونی و قضایی تقسیم می گردد.

۱-۵) علل و جهات تخفیف قانونی مجازات

مواردی که قانونگذار اعمال تخفیف را به دادگاه تکلیف نموده است (تخفیف قانونی یا اجباری مجازات) و دادگاه در صورت وجود کیفیات و شرایطی که قانون پیش بینی نموده است، مجبور به اعمال آنها می باشد و عدم اعمال آنها تخلف قاضی محسوب می گردد، به صورت متفرقه در مجموعه قوانین جزایی مشاهده می گردند. عمده مواردی که در آنها تخفیف قانونی پیش بینی شده است به جهت عذر همکاری است. اما علل و جهات تخفیف قانونی فقط محدود به عذر همکاری نیست، بلکه کیفیات مختلف دیگری نیز وجود دارد که موجبات تخفیف قانونی مجازات را فراهم می آورد. در واقع کیفیات و علل و جهات تخفیف قانونی مجازات برخلاف علل و جهات تخفیف قضایی مجازات ها جنبه حصری ندارند و در هر یک از مواردی که

«تخفیف مجازات از حداقل مقرر قانونی یا تبدیل آن به نوع دیگر که از حداقل مجازات قانونی اخف باشد بلا اشکال است». (ارباطی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷).

۱- نظریه شماره ۷/۱۹۴۲ مورخ ۱۳۷۲/۳/۱۶:

«در تخفیف مجازات های تعزیری باید با مجازات از حداقل کمتر تعیین شود یا اینکه تبدیل به نوع دیگری گردد که مناسب تر به حال متهم باشد. (ارباطی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷).

۲- نظریه شماره ۷/۲۸۷۴ مورخ ۱۳۷۳/۵/۲۷:

«دادگاه مجاز نیست هم مجازات جرم ارتكبابی را به کمتر از حداقل تخفیف دهد و هم مجازات جرم اخیر را به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید».

۳- نظریه شماره ۷/۳۲۷ مورخ ۱۳۶۳/۱/۱۸:

«تشخیص شدت وضعف مجازات با توجه به نوع و میزان مجازات ها به نظر عرف است و اجمالاً می توان گفت که جزای نقدی اخف از حبس و شلاق است».

قانونگذار به صورت متفرقه در مجموعه قوانین جزایی اعمال تخفیف را به دادگاه تکلیف نموده است، کیفیات و علل مختلفی لحاظ شده و در این موارد قاضی باید جهت اعمال تخفیف قانونی مجازات و محکومیت متهم به مجازات مناسب، درصدد احراز کیفیات و علل مقرر در قانون مربوطه باشد. تعدادی از علل و جهات تخفیف قانونی مجازات ها عبارتند از:

۱) عذر همکاری

در عمده مواردی که تخفیف قانونی (اجباری) مجازات پیش بینی شده است به لحاظ همکاری است. مثلاً ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد که: «اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده اند (مواد ۵۲۴ الی ۵۳۰ ق.م.ا) هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود...».

۲) انصراف از ادامه جرم

گاهی اوقات مرتکب بزه از ادامه و تشدید بزه خودداری می نماید. قانونگذار نیز برای تشویق این وضعیت تخفیف قانونی مجازات را پیش بینی نموده است. ماده ۵۸۵ قانون مجازات اسلامی در این خصوص می گوید: «اگر مرتکب یا معاون، قبل از آن که تعقیب شود، شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم را برای رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو ماه تا شش ماه [به جای یک سال تا سه سال] خواهد بود».

۳) اقدام برای کاهش آثار جرم

یکی دیگر از موارد تخفیف قانونی، اقدام مرتکب برای کاهش آثار جرم می باشد تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص می گوید: «هرگاه راننده، مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود».

۴) عذر خانوادگی

عذر خانوادگی یکی دیگر از عذرهای تخفیف قانونی مجازات است که در قانون به صورت متفرقه مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، مجازات پناه دادن یا فراری دادن یا همکاری در پناه دادن یا فراری دادن متهم موضوع این قانون را، یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فراری داده یا پناه داده، تعیین نموده است، در حالی که اگر فراری یا پناه دهنده یا همکاری کننده از اقربای درجه یک متهم باشند، عذر تخفیف محسوب شده و در هر حال مجازات آن بیش از یک دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود.

۵-۲) علل و جهات تخفیف قضایی مجازات

ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در خصوص تخفیف مجازات چنین بیان می دارد:

«دادگاه می تواند در صورت احراز کیفیات مخففه، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

۲- اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناخت شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل، رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او .

۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن تبصره ۱- «...».

در مجموع کیفیات مخففه قضایی را می توان در سه گروه دسته بندی نمود:

۱- کیفیات مربوط به شخص مرتکب، مثلاً متأهل بودن یا جوان بودن.

۲- کیفیاتی که بعد از وقوع جرم حاصل می شود، مثلاً جلب رضایت شاکی یا مدعی خصوصی یا تلاش و کوشش متهم در جهت تخفیف اثرات جرم.

۳- کیفیات خارج از جرم ارتكابی، مثلاً اگر میزان مال مسروقه یا مورد خیانت واقع شده کم باشد، می تواند یک کیفیات مخففه به حساب آید که یک ویژگی خارج از جرم است و ارتکاب جرم وابسته به آن نیست. (آزمایش، ۱۳۷۳).

جهات تخفیف قضایی (اختیاری) مجازات را ماده ۲۲ ق.م.ا در شش بند احصا نموده است و دادگاه برای اعمال تخفیف می باید حتماً یک یا چند جهت از این

جهات ششگانه را احراز کرده باشد. به عبارت دیگر چنانچه هیچ کدام از این جهات ششگانه وجود نداشته باشند امکان اعمال تخفیف مجازات به استناد این ماده وجود ندارد. البته برای اعمال تخفیف لازم نیست که تمامی جهات ششگانه وجود داشته باشد بلکه همان طور که بیان شد فقط وجود یک جهت برای اعمال تخفیف کافی خواهد بود. (المیر، ۱۳۸۴، صص ۸۶ و ۸۵؛ المیر، ۱۳۸۶، ص ۳۳) در این خصوص اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۹۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۵/۹ خود می گوید: «۱- منظور از جهات مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی این نیست که تمام جهات شش گانه مندرج در آن باید جمع باشد بلکه هر یک از آنها که تحقق یابد می تواند [موجب] تخفیف قرار گیرد...» (بی نام الف، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰).

باید متذکر شد جهاتی که در ماده ۲۲ ق.م.ا به آنها اشاره شده است، جهات تخفیفی است که دادگاه های نظامی می توانند با استناد به آنها مجازات های مقرر در قانون را تخفیف دهند^۸ (تخفیف قضایی مجازات) و همچنین دادگاه های انقلاب می توانند در صورت وجود جهات مخففه مذکور، با استناد به ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجازات های مقرر در قانون مذکور را تخفیف دهند.^۹

۳-۵) تکلیف دادگاه در ذکر جهات تخفیف مجازات در دادنامه

باید توجه داشت که دادگاه باید در رأی خود جهت یا جهاتی را که در پرونده وجود داشته و به موجب آن اعمال تخفیف نموده است به صورت دقیق و واضح

^۸ - ماده ۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «جهات مخففه مندرج در این قانون همان جهات مخففه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ است.»

^۹ - نظریه مشورتی ۷/۶۰۸۱ مورخه ۱۳۸۰/۶/۲۵: «در جرایم مربوط به مواد مخدر استناد به ماده ۲۲ ق.م.ا فقط از لحاظ احراز کیفیات مخففه و جهات قانونی دارد...».

معین نماید، در غیر این صورت از موجبات نقض دادنامه خواهد بود. (المیر، ۱۳۸۴، ص ۸۵؛ باهری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۰).

تبصره ۱ ماده ۲۲ ق.م.ا چنین مقرر می دارد: «دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند». اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۱/۱۵۸۵ مورخ ۱۳۷۵/۳/۱۲ می گوید: «دادگاه باید شرایط و عواملی را که موجب تخفیف مجازات شده در رأی خود قید کند و تصریح کند و کلی گویی در باب تخفیف مجازات و جاهت قانونی ندارد».

شعبه پنجم دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۱۱۶۸ مورخ ۱۳۱۷/۵/۲۳ خود ذکر علل و جهات تخفیف را در دادنامه لازم دانسته است: «در صورت تخفیف مجازات ذکر علل مخففه در دادنامه ضروری است و عدم ذکر آن موجب نقض فرجامی آن است».

دادگاه انتظامی قضات نیز در حکم شماره ۳۶۹۹ مورخ ۱۳۲۶/۲/۳۱ عدم ذکر علل مخففه را در دادنامه، تخلف انتظامی قضات دانسته است: «تخفیف مجازات بدون ذکر علل مخففه قضایی تخلف انتظامی محسوب می شود».

البته چنانچه دادگاه در دادنامه خود به جهت یا جهات تخفیف اشاره نماید، می باید حتماً در مجازات اعمال کیفیات مخففه نماید در غیر این صورت نیز از موجبات نقض دادنامه خواهد بود. (المیر، ۱۳۸۴، ص ۸۶؛ المیر، ۱۳۸۶، ص ۲۹). دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۷۰۵ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۴ در این خصوص می گوید: «ذکر علل مخففه در دادنامه و عدم تخفیف مجازات از موجبات نقض دادگاه است».

۵-۴) تخفیف مجازات به موجب جهات متعدد

در مواردی که نظیر جهات مخففه مذکور در ماده ۲۲ ق.م.ا در مواد قانونی خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات

راتخفیف دهد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۸) در واقع هرگاه مقنن نسبت به جرم خاصی موجبات تخفیف را پیش بینی کرده باشد، دادگاه نمی تواند یک بار به استناد آن ماده و یک بار نیز به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا مجازات را تخفیف دهد (تبصره ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا) (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۹؛ باهری، ۱۳۸۰، صص ۴۲۱ و ۴۲۰) مثلاً هرگاه دادگاه در اجرای تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا^{۱۰} بواسطه اعلام متهم و آگاه نمودن مأمورین، مجازات را تخفیف دهد، نمی تواند به موجب همان جهت به استناد ماده ۲۲ قانون مذکور نیز مجازات را دوباره تخفیف دهد، بدیهی است که بواسطه جهات دیگر می تواند تخفیف دهد. مثلاً بواسطه گذشت شاکی خصوصی، زیرا قانونگذار در تبصره ۳ ماده اخیرالذکر مقرر نموده که: «چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده [یعنی یکی از موارد ششگانه ماده ۲۲] در موارد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.» بنابراین هرگاه نظیر جهات مذکور در ماده ۲۲ ق.م.ا در موارد خاصی پیش بینی شده باشد به موجب همان جهات دوباره نمی تواند مجازات را تخفیف دهد ولی هرگاه نظیر آن نباشد، می تواند. البته نظر مخالف مبنی برزائد بودن تبصره ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا خالی از قوت نیست. (مالمیر، ۱۳۸۵). زیرا همان طور که در قسمت حدود تخفیف مجازات بیان گردید، در اعمال تخفیف مثلاً به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا و نیز تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا دادگاه می تواند هر اندازه که تشخیص دهد مجازات را تقلیل دهد و یا تبدیل به نوع دیگری نماید و دیگر عملاً نیازی به استناد به ماده دیگری به همان جهات نخواهد بود. (مالمیر، ۱۳۸۴، ص ۸۴)

^{۱۰} - تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا: «در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجات و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود».

۶) ممنوعیت اعمال تخفیف مجازات

مواردی که قانونگذار از اعمال تخفیف مجازات منع نموده است، به دو دسته قابل تقسیم هستند، دسته ای که قانونگذار به طور کلی اعمال تخفیف مجازات را در آن موارد تجویز نموده است و دسته دیگر مواردی که قانونگذار به طور جزئی تخفیف را در آنها ممنوع کرده است، که در ذیل جداگانه به بیان این موارد می پردازیم.

۶-۱) موارد کلی ممنوعیت اعمال تخفیف مجازات

مسئله تخفیف مجازات که براساس مواد قانونی از جمله مواد ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و... اعمال می گردد تنها در جرایم تعزیری و بازدارنده است، لذا در بسیاری از موارد قانونگذار به طور کلی تخفیف مجازات را تجویز نکرده است که این موارد عبارتند از:

۱- حدود و قصاص و دیات

اعمال تخفیف مجازات فقط در مجازات های تعزیری و یابازدارنده امکان دارد و در مجازات های حدود و قصاص و دیات امکان اعمال تخفیف مجازات وجود ندارد. (ساکي، ۱۳۸۷، ص ۳۴۶؛ زارعت، ۱۳۸۰، صص ۳۷ و ۳۵)^{۱۱}.

۲- محرومیت از حقوق اجتماعی^{۱۲}

محرومیت از حقوق اجتماعی، مشمول تخفیف مجازات نخواهد بود.^{۱۳} مانند محکوم علیه ای که بر اثر محکومیت قطعی حبس تعزیری بیش از ۳ سال، به مدت ۲

^{۱۱} - البته تعدادی از فقهای امامیه اشاره به نوعی تخفیف در حدود و قصاص نموده اند، برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به قسمت (۸).

^{۱۲} - محرومیت از حقوق اجتماعی، همان مجازات های تبعی است.

^{۱۳} - نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۰۹-۱۴/۱۳۶۹/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه.

سال از حقوق اجتماعی محروم می گردد^{۱۴} که اینگونه محرومیت ها ، مشمول تخفیف مجازات نخواهد بود.

۳- مصادره اموال

حکم به مصادره اموال مشمول مقررات تخفیف مجازات نخواهد بود (زراعت ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۶ ؛ مالیر ، ۱۳۸۴ ، ص ۹۸) . اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۷۴۵۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۳ در این خصوص مقرر داشته: «اموالی که به موجب قانون بایستی مصادره شود با استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی قابل تبدیل به جزای نقدی نیست ، زیرا مصادره اموال از مجازات های مندرج در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به شمار نمی رود و جدا از مجازات ، یک حکم قانونی است که بایستی به آن عمل شود».

۴- اقدامات تأمینی و تربیتی

مطابق ماده ۲۲ ق.م.ا ، تخفیف فقط در مجازات های تعزیرات و بازدارنده پیش بینی گردیده و لذا تخفیف در اقدامات تأمینی و تربیتی و جاهت قانونی ندارد. (زراعت ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۵ ؛ مالیر ، ۱۳۸۴ ، ص ۹۸).

۶-۲) موارد جزئی ممنوعیت اعمال تخفیف مجازات

اصولاً مطابق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی کلیه مجازات های تعزیری و بازدارنده قابل تخفیف می باشند ، لکن در مواردی قانونگذاری به لحاظ اعمال سیاست جنایی خاص ، مانند تشدید مجازات جرمی یا عدم مسامحه با مجرمین خاصی ، تخفیف مجازات را به طور جزئی (حتی اگر آن جرم تعزیری یا بازدارنده باشد) ممنوع اعلام کرده است.

^{۱۴} - بند ۳- ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا: « ماده ۶۲ مکرر : محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل ، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید...: بند ۱- ... ۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال ، دو سال پس از اجرای حکم .

از جمله مواردی که دادگاه ها به موجب نص صریح قانون، به طور جزئی و استثنایی از اعمال تخفیف منع شده اند، عبارتند از:

۱- کلاهبرداری و اختلاس

در جرایم کلاهبرداری و اختلاس به موجب تبصره های یک و شش^{۱۵} از مواد یک و پنج قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مجازات حبس تخفیف وجود ندارد.

تبصره یک ماده یک قانون فوق الذکر ممنوعیت از اعمال تخفیف مجازات در خصوص جرم کلاهبرداری را اینگونه بیان نموده است: «در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوطه به تخفیف مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد».

۲- سرقت با سابقه قبلی

قانونگذار در تبصره ماده ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «تبصره - در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید».

^{۱۵} - تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات ... مصوب ۱۳۶۷: «در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود».

۳- تصادفات منجر به قتل و جرح بارها کردن مصدوم

قانونگذار در ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد : «هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمرار از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا ... دادگاه نمی تواند در مورد این ماده اعمال کیفیات مخففه نماید».

۴- اخلال در نظام اقتصادی کشور

تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ نیز در ممنوعیت اعمال تخفیف مقرر می دارد : «هیچ یک از مجازات های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده ، همچنین اعلام و جزاهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی باشد».

در قوانین متفرقه نیز نظیر چنین ممنوعیت ها و محدودیت هایی ممکن است وجود داشته باشد ، ولی به لحاظ جلوگیری از اطاله موضوع از ذکر همه آنها خودداری می شود.

۷) مراحل تخفیف مجازات

از اسباب سیاست کیفری قانونگذار ، که مؤثر در تطبیق مجازات با شخصیت مجرمین است ، تخفیف (تقلیل) مجازات و یا تبدیل آن به مجازاتی است که مساعد به حال مرتکب باشد . از این رو معمولاً مقننین در وضع قوانین کیفری ، به گونه ای عمل می کنند که دست قاضی را جهت در نظر گرفتن مجازات متناسب با شخصیت مرتکب جرم بازگذاشته و اصل تفرید مجازات ها را رعایت کنند.

بدین واسطه معمولاً قانونگذار به طرق مختلفی امکان تخفیف مجازات اصلی را به کمتر از میزان مقرر به دادرس می دهد. این امر گاه با وضع کیفیات مخففه قانونی و گاه با اعمال کیفیات مخففه قضایی امکان پذیر می گردد. با این حال طرق تخفیف مجازات مذکور در فوق همگی به گونه ای است که معمولاً قبل از صدور حکم محکومیت لحاظ می شوند. لذا در این موارد پس از صدور حکم، با توجه به ممنوعیت دادرس از ورود به ماهیت پرونده، امکان تخفیف مجازات مرتکب وجود ندارد.

با این حال قانونگذار در مواردی امکان تخفیف مجازات را به کمتر از میزان مقرر، حتی پس از صدور حکم در موارد منصوص نیز فراهم کرده و به دادرس این امکان را می دهد که حتی پس از صدور حکم و علی رغم حاکمیت قاعده فراغ دادرس بتواند نسبت به تخفیف مجازات مرتکب اقدام کند.

در این قسمت با توجه به اینکه تخفیف مجازات در مراحل مختلفی انجام می گیرد، لذا مراحل تخفیف مجازات را با توجه به دو تقسیم بندی ذیل توضیح می دهیم.

الف) تخفیف های مؤثر در صدور حکم.

ب) تخفیف های پس از صدور حکم دادگاه صادر کننده رأی.

۷-۱) تخفیف های مؤثر در صدور حکم

در این قسمت اعمال تخفیف مجازات با استناد ماده ۲۲ ق.م.ا، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، ماده ۷۲۷ ق.م.ا و ماده ۱۱ ق.م.ا مورد بررسی قرار می گیرد.

۷-۱-۱) تخفیف مجازات با اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا

برای اعمال تخفیف قضایی مجازات (از طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات)، ماده عمومی آن، ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می باشد، هرچند در قوانین

دیگر نیز تخفیف قضایی مجازات وجود دارد. ماده مذکور در خصوص تخفیف مجازات مقرر نموده است که: «دادگاه می تواند در صورت احراز کیفیات مخففه، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد...»^{۱۶}. مطابق این ماده، دادگاه می تواند با احراز علل و جهات تخفیف قضایی مجازات، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد. در اینجا همان طوریکه قبلاً بیان گردید، برای تخفیف مجازات نهایی وجود ندارد و بنابر تشخیص دادگاه می باشد، مگر اینکه خود قانون و به صورت استثنایی حد و مرزی را برای تخفیف مشخص نموده (تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) و یا در مواردی اصولاً اعمال تخفیف را ممنوع اعلام کرده باشد (تبصره ماده ۶۶۶ و ماده ۷۱۹ ق.م.ا).^{۱۷}

^{۱۶} - ادامه ماده ۲۲ ق.م.ا: «... جهات مخففه عبارتند از:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
 - ۲- اظهارات و راهنمایی های متهم در شناخت شرکا و معاونین جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده، مؤثر باشد.
 - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.
 - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.
 - ۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او.
 - ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم و جبران زیان آور ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.
- تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می تواند جهات مخففه را رعایت کند.
- تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد».
- ^{۱۷} - در قسمت های قبلی، مفصلاً در خصوص ماده ۲۲ ق.م.ا بحث و بررسی شده است.

۷-۱-۲) تخفیف مجازات با اعمال ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳

بندهای ۱ و ۲ از ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مقرر داشته است:

« ۱- در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال [مبلغ مصوب سال ۱۳۸۹ از نهصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا سیزده میلیون (۱۳۰۰۰۰۰۰) ریال است] صادر می شود.

۲- هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال [مبلغ مصوب سال ۱۳۸۹ از نهصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰۰۰۰۰۰۰) ریال است] بدهد.^{۱۸}

۳- در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد».

مطابق ماده مذکور که حاکم بر تمامی مجازات های تعزیری و بازدارنده است (مگر در مواردی که صریحاً استثنا شده باشد) دادگاه مجبور است که در موارد مشمول این ماده مجازات های مقرر قانونی را فقط از طریق تبدیل مجازات، تخفیف دهد. در واقع

^{۱۸} - بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۴۰۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۸ مربوط به افزایش تعرفه های خدمات قضایی: «... تعرفه های خدمات قضایی مندرج در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ به شرح ذیل اصلاح و جهت اجرا به مراجع زیر ربط ابلاغ می شود. مبلغ مصوب بند ۱ از نهصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا سیزده میلیون (۱۳۰۰۰۰۰۰) ریال و مبلغ مصوب بند ۲ از نهصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰۰۰۰۰۰۰) ریال و ...».

اعمال تخفیف اجباری (قانونی) مجازات موضوع ماده مذکور، فقط از طریق تبدیل مجازات (نه تقلیل مجازات) صورت می‌گیرد.

بندهای ۱ و ۲ از ماده ۳ قانون وصول ...، سه وضعیت را در بر می‌گیرد، که این سه وضعیت عبارتند از:

۱- کلیه مجازات های قانونی باحبس حداکثر کمتر از ۹۱ روز باید تبدیل به جزای نقدی از نهصد هزار ریال تا سیزده میلیون ریال گردد و دادگاه راه دیگری ندارد.

۲- کلیه مجازات های حبس تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با هر میزان مجازات حبس (به استثنای تبصره ذیل ماده ۷۱۸ ق.م.ا.^{۱۹}) باید تبدیل به جزای نقدی از نهصد هزار ریال تا سیزده میلیون ریال گردند.

۳- کلیه مجازات های حبسی که در قانون، حداکثر آن از نود روز یا سه ماه بیشتر باشد، ولی حداقل آن از ۹۱ روز یا سه ماه و یک روز کمتر باشد، دادگاه بین دو راه مخیر است که اگر بخواهد حبس بدهد باید، بیش از ۹۰ روز یا بیش از ۳ ماه باشد وحق اعمال حبس کمتر از این مدت را ندارد و چنانچه مجازات حبس بیشتر از ۹۰ روز یا بیش از سه ماه را صلاح نداند، باید جزای نقدی از نهصد هزار ریال تا چهل میلیون ریال را تعیین نماید. طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^{۲۰}، دادگاه مجبور است که به یکی از طرق دوگانه عمل نماید و حق انتخاب

^{۱۹} - تبصره ماده ۷۱۸ ق.م.ا.: «اعمال مجازات مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی مستثنی می باشد».

^{۲۰} - رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹: «... به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفندماه سال ۱۳۷۳ در موضوعات کیفری در صورتی که حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد بنابراین تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز برای متهم مخالف نظر مقنن وهمچنین روح قانون می باشد و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مزبور باشد می باید حکم به جزای نقدی بدهد...»

راه سوم یعنی اعمال حبس های کمتر از ۹۱ روز را ندارد. البته ممنوعیت اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز طبق این ماده و رأی وحدت رویه اشاره شده فقط مربوط به جایی است که مجازات قانونی، مشمول ماده ۳ قانون وصول... (یکی از بندهای سه گانه) باشد والا چنانچه مجازات قانونی از شمول ماده ۳ خارج باشد مثلاً مجازات قانونی شش ماه تا سه سال یا یک سال تا پنج سال باشد و یا.. امکان اعمال حبس های کمتر از ۹۱ روز نیز با استفاده از ماده عمومی ۲۲ قانون مجازات اسلامی وجود دارد و ممنوعیت اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز شامل این موارد نخواهد بود^{۲۱}، چرا که اصولاً این موارد از ماده ۳ قانون وصول... و رأی وحدت رویه مربوطه خروج موضوعی دارند و جایی هم برای قیاس وجود ندارد. (مالمیر، ۱۳۸۴، صص ۷۰ و ۳۹).

در نشست های قضایی دادگستری های استان چهارمحال و بختیاری در دی ماه ۱۳۷۹، ایلام دی ماه ۱۳۷۹، گرگان اردیبهشت ۱۳۸۰ و... در سوال مشابهی که مطرح گردیده است: «با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۷/۸/۹/۹ و بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ماه ۱۳۷۳ در موضوعات کیفری چنانچه حداقل مجازات مقرر قانونی جرمی کمتر از ۹۱ روز نباشد آیا دادگاه می تواند حکم به حبس کمتر از سه ماه بدهد یا خیر؟» اکثر قضات چنین اظهار نظر نموده اند که: «رأی وحدت رویه و بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ناظر به مواردی است که حداقل مجازات حبس قانونی کمتر از ۹۱ روز باشد و قاعداً چنانچه مجازات جرمی حداقل ۹۱ روز حبس یا بیشتر باشد مشمول رأی وحدت رویه نخواهد بود و دادگاه مجاز به تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز خواهد بود و... اصولاً ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی منصرف از

^{۲۱} - برای دیدن نظر مخالف مراجعه کنید به نظریات مشورتی شماره های ۷/۲۲۵۸ مورخ ۷/۲۲۵۸/۶/۲ و ۷/۱۹۹۵ مورخ ۷/۱۹۹۵/۲/۲۹ و ۷/۴۵۰۵ مورخ ۷/۴۵۰۵/۳/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه

ماده ۳ قانون مذکور و رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور است...» (بی نام ب، ۱۳۸۱، ص ۶۹-۲۹).

۷-۱-۳) تخفیف مجازات با اعمال ماده ۷۲۷ ق.م.ا.

ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید». جرایم قابل گذشت در ماده مذکور، احصاء شده است (البته در قوانین دیگر هم حسب مورد به این امر اشاره شده مانند قانون صدور چک) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در این ماده از موجبات تخفیف مجازات یا موقوفی تعقیب متهم محسوب می گردد و در واقع دادگاه مختار است که مجازات شخصی را تخفیف دهد (تخفیف قضایی مجازات از طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات) یا کلاً از تعقیب مجرم صرف نظر نماید. (ساک، ۱۳۸۷، ص ۳۹۴).

عده ای از حقوقدانان جرایم قابل گذشت را در دستگاه قضایی ما به دو دسته تقسیم نموده اند:

۱- جرایم قابل گذشت مطلق . ۲- جرایم قابل گذشت نسبی.

جرایم قابل گذشت مطلق جرایمی دانسته شده اند که صرفاً یک شرط دارند و آن هم گذشت شاکی است، در حالیکه جرایم قابل گذشت نسبی علاوه بر گذشت شاکی خصوصی، نظر و تشخیص دادگاه را که حسب مورد می تواند مجازات را تخفیف دهد یا از تعقیب مجرم به طور کلی صرف نظر نماید، نیز لازم دارد. در حقیقت ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از نوع جرایم قابل گذشت نسبی محسوب می گردد (آخوندی،

۱۳۶۹، صص ۵۰ و ۴۹) و بند دوم ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸^{۲۲} درخصوص جرایم قابل گذشت مطلق اعمال خواهد شد.

۷-۱-۴) تخفیف مجازات با قانون لاحق

وفق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد با درخواست محکوم علیه، دادگاه صادر کننده حکم و یادادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق باید مجازات قبلی را تخفیف دهد (تخفیف قانونی مجازات از طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات): «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد کرد. ۱- ... ۲- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادر کننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد. ۳- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت.»

^{۲۲} - ماده ۶ قانون فوق الذکر: «تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی شود،

مگر در موارد زیر: اول - ...»

دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت...».

درخصوص بند ۲ ماده ۱۱ ق.م.ا قانونگذار در سال ۱۳۷۸ تغییر رویه داد و با تصویب بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری بند ۲ قانون مذکور (یعنی بند ۲ ماده ۱۱ ق.م.ا) را نسخ نموده و مقرر داشت که: «موارد اعاده دادرسی از احکام قطعی دادگاه ها اعلام از اینکه حکم صادره به مرحله اجرا گذاشته شده یا نشده باشد به قرار زیر است: ... ۷- در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد، که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد».

بنابراین در حال حاضر هرگاه پس از صدور حکم قطعی مجازات جرمی (به موجب قانون لاحق) تخفیف یابد مورد از موارد اعاده دادرسی خواهد بود که محکوم علیه باید تقاضای خود را به دیوانعالی کشور تقدیم نماید که پس از احراز انطباق تقاضا با قانون جهت رسیدگی آنرا به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع نماید. (بامری، ۱۳۸۰، صص ۱۶۲ و ۱۶۱؛ مالمیر، ۱۳۸۴، ص ۷۷).

۲-۷) تخفیف های پس از صدور حکم دادگاه صادر کننده رأی

ممکن است در مرحله ابتدایی، علل و موجبات تخفیف کیفر، برای قاضی محکمه محرز نبوده و بدین سان مجرم را مستحق تخفیف مجازات نداند و یا اینکه محکوم در مراحل اولیه، دلائلی بر وجود علل و کیفیات مخففه ارائه نداده باشد و یا به هر علت دیگری که موجبات تخفیف ممکن بوده، ولی دادگاه به آنها توجهی نداشته، در این مورد به منظور رعایت حال متهم و متناسب کردن مجازات با بزه ارتكابی، مقنن دورانداشی ورزیده و تخفیف مجازات را تنها محدود به رسیدگیهای اولیه نکرده و در نتیجه در مواردی نیز ممکن است که پس از صدور حکم و برخلاف قاعده فراغ دادرسی، به دادگاه صادر کننده حکم اولی و یا به قاضی رسیدگی کننده به حکم پژوهش خواسته اجازه داده است که به موجب علل و موجباتی، در صورت مقتضی، مجازات

تعیین شده محکومین را تخفیف دهد. در این خصوص ماده های قانونی ذیل در حقوق ایران، مستند چنین تخفیفی خواهند بود.

۱- ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵.^{۲۳}

۲- ماده ۲۲۹ و ۲۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸.^{۲۴ ۲۵}

^{۲۳} - ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۶) مقرر می دارد: «در کلیه محکومیت های جنحه ای (جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه سال حبس می باشد) در صورتی که دادستان از حکم صادر شده پژوهش یا فرجام نخواست باشد محکوم علیه می تواند با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم ضمن اسقاط حق وانصراف از شکایت پژوهشی یا فرجامی یا استرداد آن، تخفیف در مجازات خود را تقاضا کند. در این صورت دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی می کند و تا یک چهارم از مجازات مندرج در حکم را اعم از حبس یا جزای نقدی تخفیف می دهد و این رأی قطعی است. ولی در هر حال هیچ مجازات حبسی را با رعایت تخفیف مندرج در این ماده نمی توان به جزای نقدی تبدیل نمود».

^{۲۴} - ماده ۲۲۹ ق.آ.د. ک مقرر داشته: «دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال حسب گزارش هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند، می تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدید نظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد».

^{۲۵} - ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک مقرر داشته: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات تجدید نظر نماید در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رأی قطعی است».

سوالی که مطرح می شود این است که «آیا محکوم علیه می تواند ابتدا با اسقاط حق تجدید نظر خواهی از ماده ۶ قانون اصلاح استفاده نماید و سپس با اخذ رضایت شاکی خصوصی از مقررات ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی ... استفاده کند؟

باید دانست که چنانچه دادگاه به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا اعمال تخفیف نماید این اعمال تخفیف مانع نخواهد شد که دادگاه صادر کننده حکم ، پس از صدور رأی ، چنانچه محکوم علیه از حق تجدید نظر خواهی خود صرف نظر نماید با استناد به ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ ، اعمال تخفیف مجدد نماید. (زراعت ، ۱۳۸۰ ، صص ۳۵ و ۳۴؛ مالمیر ، ۱۳۸۴ ، ص ۷۶) . همچنین اعمال تخفیف به موجب ماده ۲۲ ق.م.ا و ماده ۶ قانون اصلاح ، نیز مانع اعمال تخفیف مجدد دادگاه به استناد ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی ... نخواهد بود. در این خصوص رای وحدت رویه شماره ۶۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر داشته: «... هر چند عناوین جنحه و جنایت در قوانین جزایی فعلی به کار نرفته ولی ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری هم به طور صریح و یا ضمنی مقررات ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری را نسخ نکرده و به اعتبار خود باقی است و مغایرتی بین این دو ماده وجود ندارد ...». همچنین در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۶۵ مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه این حق را برای محکوم علیه قائل شده است ، به موجب این نظریه «ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب (۱۳۵۶) قلمرو اجرایی خاص دارد و ماده ۲۵ همان قانون (ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک فعلی) مقوله دیگری است. تخفیف مجازات مندرج در حکم به استناد ماده ۶ یاد شده ، مانع تخفیف مجدد کیفر مندرج در حکم قطعی به استناد ماده ۲۵ قانون مذکور نخواهد بود» .

البته وقتی امکان اعمال ماده ۲۷۷ قانون مذکور وجود خواهد داشت که جهت تخفیف در صدور رأی اولیه یا در دادگاه تجدید نظر به استناد بند اول ماده ۲۲ ق.م.ا

(یعنی گذشت شاکی یا مدعی خصوصی) وجود نداشته باشد. پس اگر در رأی قطعی شده مثلاً به جهت اعلام و اقرار متهم و یا وضع خاص متهم و یا سابقه او و... دادگاه اعمال تخفیف نموده باشد، چنانچه پس از قطعیت رأی در جرایم غیر قابل گذشت، شاکی یا مدعی خصوصی از شکایت خود صرف نظر نماید، محکوم علیه می تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات او تجدید نظر نماید. در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه و در وقت فوق العاده در حضور دادستان تشکیل جلسه می دهد و در صورت اقتضاء در حدود قانون، مجازات را تخفیف می دهد. (المیر، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

در نظریه مشورتی دیگری به شماره ۷/۶۲۰۲ مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۲ نیز بیان شده : «درخواست تخفیف مجازات موضوع ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری و اعمال تخفیف مجازات در مواردی که اتهام به محکومیت مشمول ماده یاد شده باشد با تخفیف مجازات موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دو موضوع جداگانه بوده و قابل پذیرش و اعمال است».

۸) تخفیف مجازات های حدود و قصاص از نظر فقهای امامیه

همانطور که قبلاً بیان شد در مجازات های حدود و قصاص و دیات امکان اعمال تخفیف مجازات وجود ندارد، اما تعدادی از فقهای امامیه اشاره به نوعی تخفیف در مجازات های حدود و قصاص نموده اند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می شود :

۱- تخفیف در حدود الهی :

تعدادی از فقهای امامیه اشاره به نوعی تخفیف در حدود نموده اند . آیت الله مکارم شیرازی بیان داشته اند : « اگر اثبات عمل از طریق اقرار باشد حاکم شرع می تواند مجازات او را تخفیف بدهد و یا صرف نظر کند و اگر از طریق بینه باشد حکم به مجازات به قوت خود باقی است ...» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۷، ص ۳۶۲). در پاسخ به این سوال :

«اگر به گواهی پزشکان اجرای حد سرقت (بریدن دست یا پا) به دلیل بیماری سارق منجر به مرگ می شود مانند آنجا که سارق دارای بیماری قند یا بیماری هموفیلی باشد، آیا اجرای حد ساقط می گردد؟ یا به تعزیر تبدیل می شود؟» آیات عظام بهجت و صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی به ترتیب فرموده اند: «بلی و مربوط به نظر حاکم شرع است» (بی نام پ، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵). «بلی ساقط می گردد و بعید نیست اگر حاکم لازم دانست». «حد را تا بهبودی مریض به تأخیر می اندازد و در صورت عدم بهبودی تبدیل به تعزیر می شود» (بی نام ت، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

۲- تبدیل مجازات های حدی :

در مواردی که قانون یا شارع مقدس شیوه یا ابزار خاصی را برای بعضی از انواع مجازات ها در نظر گرفته است، مثل رجم و ... آیا اعمال مجازات با همان شیوه موضوعیت دارد یا خیر؟ محل اختلاف است. آیات عظام مکارم شیرازی، نوری همدانی و ... معتقدند که در صورتی که حاکم اسلامی مصلحت بداند و حقیقتاً اجرای این گونه مجازات ها مستلزم وهن اسلام باشد و ... می توان شیوه اجرای آن را تغییر داد: «حد زنای محصنه سنگسار است، ولی در شرایطی که محذورات مهمی بر این امر مترتب شود می توان اعدام را به نحو دیگری انجام داد و...» (بی نام ث، ۱۳۸۲، ص ۴۳) لکن تعدادی از آیات عظام همانند صافی گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی تغییر شیوه اجرای مجازات رجم و ... را جایز نمی دانند (تبریزی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۶).

۳- تخفیف در قصاص :

تعدادی از فقهای امامیه تبدیل و تخفیف قصاص را جایز دانسته اند. در سوالی که به این شکل مطرح شده: «آیا ولی امر می تواند بر خلاف درخواست ولی دم یا مجنی علیه بنا به مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟...» آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرموده اند: «بلی حاکم شرع اگر مصلحت بداند می تواند قصاص را تبدیل به دیه کند و بر

جانی لازم است بپردازد همان طور که بر اولیای دم مقتول لازم است قبول کنند». (بی نام پ، ۱۳۸۲، ص ۸۲). آیت الله مکارم نیز بیان داشته اند: «در شرایط عادی چنین حقی را ندارد مگر اینکه اجرای قصاص سبب مفسده مهمی شود». آیت الله نوری همدانی نیز بیان داشته اند: «حاکم شرع اگر مصلحت بداند می تواند قصاص را تبدیل به دیه نماید». آیات عظام خوئی، فاضل لنکرانی نظرات مشابهی را بیان داشته اند. (بی نام پ، ۱۳۸۲، ص ۸۴ و ۸۲).

۴- تبدیل و تخفیف قصاص نفس به عضو:

در خصوص اینکه آیا اولیای دم می توانند به جای قصاص نفس عضوی از اعضای قاتل عمد را قصاص کنند و مابقی را دیه بگیرند یا عفو کنند اختلاف نظر وجود دارد. آیا عظام بهجت، میرزا جواد تبریزی، صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی این عمل را جایز نمی دانند. آیت الله موسوی اردبیلی با جایز دانستن این عمل می گوید: «ظاهراً با رضایت طرفین بی اشکال است.» (بی نام پ، ۱۳۸۲، صص ۱۵۶-۱۵۵)

۹) تخفیف مجازات در لایحه ی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۶

قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین قوانین ماهوی جمهوری اسلامی کیفری در ایران طی سه دهه سپری شده از انقلاب اسلامی، تحولات فراوانی را پشت سر نهاده و سالیان متعدد به صورت آزمایشی مورد اجرا قرار می گرفت، سرانجام در سال ۱۳۸۶ لایحه قانون مجازات اسلامی تحت چهارباب (کلیات، حدود، قصاص و دیات) جهت تصویب به عنوان یک قانون دائمی به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید.

لایحه مذکور در مقایسه با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از امتیازات فراوانی برخوردار است، مبرهن کردن شعاع عمل دادگاه در فرایند تخفیف و تبدیل مجازات از جمله تحولات کلیات لایحه مذکور است، لذا در این قسمت به تعدادی از مواد مربوط به فرایند تخفیف و تبدیل مجازات در لایحه قانون مجازات اسلامی اشاره می شود:

ماده ۱-۱۵۱- در محکومیت های تعزیری و بازدارنده دادگاه می تواند در صورت احراز کیفیات مخففه به شرح زیر مجازات را متناسب با وضعیت متهم تخفیف یا در جهت تخفیف به مجازات از نوع دیگر تبدیل کند.

۱- حبس ابد به ۵ سال تا پانزده سال حبس

۲- حبسی که میزان یا حداقل آن سه سال یا بیشتر باشد به ۱ سال تا ۳ سال حبس .

۳- حبسی که میزان یا حداقل آن کمتر از سه سال باشد به جزای نقدی که از معادل بدل از سه ماه حبس کمتر نباشد و از معادل بدل یک سال حبس بیشتر نباشد.

۴- جزای نقدی به نصب حداقل و چنانچه حداقل و حداکثر تعیین نشده باشد به $\frac{1}{3}$ میزان مقرر در قانون .

۵- انفصال دایم به ۵ سال انفصال موقت .

۶- انفصال موقت به $\frac{1}{3}$ حداقل و چنانچه حداقل و حداکثر تعیین نشده باشد به $\frac{1}{3}$ مدت مقرر در قانون.

تبصره - تخفیف یا تبدیل مجازاتهای موجب حد و یا قصاص طبق قانون آن مجازاتها خواهد بود.

ماده ۳-۱۵۱- در هر مورد که قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد به جای حبس حکم به جزای نقدی از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا شلاق تا ۷۴ ضربه برحسب تناسب جرم و شخص مجرم صادر می شود.

ماده ۴-۱۵۱- هرگاه حداکثر مجازات ۹۱ روز حبس و بیشتر تا سه سال باشد دادگاه می تواند به تناسب شرایط وقوع جرم و خصوصیات و شرایط مجرم مرتکب را به جای

حبس به جزای نقدی و یا جزای نقدی روزانه به ازای هر روز (۱۰۰/۰۰۰) ریال یا تبعید یا الزام به کار عام المنفعه یا یکی از اقدامات مذکور در ماده (۱-۱۲۳) این قانون محکوم نماید، مشروط بر اینکه مدت این کیفرها پس از تبدیل از نظر زمان بیش از حداکثر و کمتر از حداقل حبس مقرر در مورد آن جرم نباشد و در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو مجازات نقدی جمع می شوند. تبصره ۱-...

۱۰) نتایج و پیشنهادات

۱-۱۰) نتایج

۱- در راستای اصل فردی کردن مجازات ها، یکی از ابزارهای مهمی که در اختیار دادگاه گذاشته شده است اعمال تخفیف می باشد.

۲- مطالعه در تاریخ گذشتگان نشان میدهد که همواره در میان انسانهای قدیمی نمونه هایی از تخفیف مجازات ها وجود داشته است. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ نقاط ضعف و ایرادات قانون سابق را برطرف نموده و اصول حاکم بر تخفیف مجازات ها را به صورت کاملتری تعیین نموده بود. در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ قلمرو تخفیف مجازات محدود به مجازات تعزیری گردید و حدود تخفیف مجازات به نظر قضات کیفری واگذار شد. سرانجام در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تخفیف مجازات در مجازات های تعزیری و بازدارنده به نحو موسع پذیرفته شد.

۳- تخفیف مجازات بر دو نوع می باشد. گاهی اوقات اعمال تخفیف برای دادگاه تکلیف قانونی و الزامی است که از آن به تخفیف قانونی یا اجباری یا تقنینی یا الزامی یا معاذیر قانونی تخفیف دهنده نام می برند و گاهی اوقات اعمال تخفیف در اختیار قاضی

است و می تواند با تشخیص و صلاحدید خود از این تأسیس استفاده نماید یا از آن چشم پوشی کند که این نوع تخفیف را تخفیف قضایی یا اختیاری می نامند.

۴- تخفیف مجازات به دو طریق تقلیل و یا تبدیل مجازات اعمال می گردد. هر چند که تبدیل مجازات ها در نهایت متضمن نوعی تقلیل کیفر است لیکن تمایز اساسی آن دو در این است که در تقلیل مجازات ، نوع مجازات هیچ تغییری پیدا نمی کند بلکه تنها میزان مجازات (کمیت آن) کاهش می یابد . برای مثال مجازات حبس دوساله به یک سال تقلیل می یابد. اما در تبدیل مجازات ها ، یک نوع از مجازات جایگزین نوع دیگری می شود. برای مثال جزای نقدی جایگزین حبس می شود.

۵- در ماده ۲۲ ق.م.ا که به منزله قانون عام است ، حدود و میزان تخفیف مجازات ها مشخص نشده است و معیار خاصی وجود ندارد و به تشخیص دادگاه است.

۶- هر چند مطابق ماده ۲۲ ق.م.ا حدود و میزان مجازات ها مشخص نشده است ، ولی در قوانین دیگر از مجموعه قوانین جزایی و به صورت متفرقه ، قوانینی وجود دارد که در خصوص حدود و میزان تخفیف مجازات ، مقررات خاصی را پیش بینی نموده و حدود و میزان تخفیف مجازات از حیث کم و کیف به وسیله قانونگذار تعیین گردیده است. لذا در جهت تخفیف مجازات باید به مقررات خاص توجه داشت. مانند بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و مواد ۳ و ۴ و ۵ و ... قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و

۷- علل و جهات تخفیف قانونی مجازات ها برخلاف علل و جهات تخفیف قضایی مجازات ها جنبه حصری ندارند و در مواردی که تخفیف قانونی مجازات پیش بینی شده است ، علل و جهات مختلفی لحاظ شده است ولی علل و جهات تخفیف قضایی

مجازات های مقرر در ماده ۲۲ ق.م.ا در شش بند احصا شده است و دادگاه حق ندارد موارد مشابه دیگری را به عنوان علل و جهات تخفیف قضایی بپذیرد.

۸- مواردی که قانونگذار از اعمال تخفیف مجازات منع نموده است، به دو دسته تقسیم می شود، دسته ای که قانونگذار به طور کلی اعمال تخفیف مجازات را در آن موارد تجویز نموده است و دسته دیگر مواردی که قانونگذار به طور جزئی اعمال تخفیف را در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده ممنوع کرده است.

۹- دادگاه در تخفیف مجازات حبس مکلف است ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ که حاکم بر تمامی مجازات های تعزیری و بازدارنده است (مگر مواردی که صریحاً استثناء شده باشد) را رعایت نماید. در بندهای ۱ و ۲ ماده مذکور سه وضعیت پیش بینی شده که تعیین و اعمال مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز در آن سه وضعیت ممنوع است.

۱۰- با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم احصاء شده ماده ۷۲۷ ق.م.ا، دادگاه مختار است که مجازات مرتکب را تخفیف دهد و یا کلاً از تعقیب مرتکب صرف نظر نماید.

۱۱- مطابق بند ۲ ماده ۱۱ ق.م.ا اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد با درخواست محکوم علیه، دادگاه با لحاظ قانون جدید مکلف به اعمال تخفیف مجازات قبلی خواهد بود.

۱۲- چنانچه دادگاه به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا اعمال تخفیف نماید این اعمال تخفیف مانع اعمال تخفیف به موجب ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری نمی باشد.

همچنین اعمال تخفیف به موجب ماده ۲۲ ق.م.ا و ماده ۶ قانون اصلاح ... نیز مانع اعمال تخفیف به موجب ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک نمی باشد.

۱۳- در مجازات های حدود و قصاص و دیات امکان اعمال تخفیف مجازات وجود ندارد ، اما تعدادی از فقهای امامیه اشاره به نوعی تخفیف در حدود و قصاص نموده اند.

۱۰-۲ (پیشنهادات)

۱- از آنجایی که قانونگذار در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ، با دست و دلبازی تمام در کلیه مجازات های تعزیری و بازدارنده تبدیل کیفر را قبول کرده است و بدین ترتیب کلنگی آماده ساخته و به دست دادگاهها داده تا مبنای فلسفه مجازات را بی محابا تخریب کنند (نوربهاء ، ۱۳۷۳) باید به منظور حفظ اصل قانونی بودن کیفر و همچنین نظم عمومی و قدرت ارعابی مجازات ، در همه موارد نوع و حدود میزان تقلیل و تبدیل مجازات بوسیله قانون تعیین گردد. در همین رابطه ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ و مواد ۳ و ۴ و ۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ الگوی قانونی مناسبی برای تبدیل و تقلیل مجازاتها است که می بایست ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی نیز در چهارچوب این الگو اصلاح شود تا از تعارض در قوانین نیز جلوگیری شود. اقدام قانونگذار در خصوص ضابطه مند نمودن نوع و حدود تخفیف مجازات ها ما را یاد جمله سزار بکاریا می اندازد : «ترحم فضیلتی است که شایسته قانونگذار است نه مجری قانون و باید در قانون تجلی یابد نه در احکام خاص» (بکاریا ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۰۰) البته در لایحه ویژه قانون مجازات اسلامی که به مجلس شورای اسلامی ارائه گردیده است در خصوص ضابطه مند نمودن حدود و میزان تخفیف مجازات ها تصمیمات مقتضی ارائه شده است.

۲- با عنایت به اینکه خطر حبس های کوتاه مدت ، با اعمال تخفیف مجازات ، همواره محتمل است ، لذا برای پرهیز از این موضوع پیشنهاد می گردد با تصویب مقرراتی

مشابه ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳، صدور حبس های کوتاه مدت ممنوع گردد، تا دادگاهها بجای تعیین حبس های کوتاه مدت از مجازات های جایگزین استفاده نمایند.

۳- پیشنهاد می شود در جهت تدوین قوانین کشور از تجربیات، راهنمایی ها و پیشنهادات قضات، وکلا و افراد متخصص که عملاً با قوانین کشور سروکار دارند، استفاده شود.

فهرست منابع

الف) کتب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۳- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- آقائی نیا، حسین، «تخفیف مجازات سلطنت مطلق یا اختیار مقید» مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمدآشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات علوم جنایی، ۱۳۸۳.
- ۵- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظریه های مشورتی جزایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- ۶- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸.
- ۷- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
- ۸- بی نام الف، مجموعه جرایم و مجازاتها، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۹- بی نام ب، مجموعه نشست های قضایی، مسائل کیفری (بخش اول)، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

- ۱۰- بی نام پ، مجموعه آرای فقهی در امور کیفری (۲)، جلد دوم، چاپ دوم، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
- ۱۱- بی نام ت، مجموعه آرای فقهی در امور کیفری (۳)، جلد دوم، چاپ اول، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
- ۱۲- بی نام ث، مجموعه آرای فقهی در امور کیفری (۴)، جلد سوم، چاپ دوم، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
- ۱۳- بی نام، ویژه‌ی لایحه قانون مجازات اسلامی، فصلنامه مجد، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- ۱۴- پرورش، حسین، تاریخ حقوق اداری ایران قبل از اسلام، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پایان نامه دکترا، ۱۳۸۰.
- ۱۵- تبریزی، میرزا جواد، استفتات جدید، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات سرور، ۱۳۷۸.
- ۱۶- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، جلد اول و دوم، مترجمان امیر حسین آریانپور، فتح اله مجتبائی و هوشنگ پیرنظر، چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۸- راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادرسی در ایران، چاپ اول، نشر سرچشمه، سال ۱۳۶۸.
- ۱۹- رضوی، محمد، جرایم و مجازات نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح، چاپ چهارم، تهران، انتشارات هستی نما، ۱۳۸۵.

- ۲۰- زراعت ، عباس ، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات ققنوس ، ۱۳۸۰ .
- ۲۱- ساکی ، محمد رضا ، دوره مقدماتی حقوق جزای عمومی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات جنگل ، ۱۳۸۷ .
- ۲۲- شامبیاتی ، هوشنگ ، حقوق جزای عمومی ، جلد دوم ، چاپ هفتم ، تهران ، انتشارات ویستار ، ۱۳۷۵ .
- ۲۳- شهری ، غلامرضا و ستوده جهرمی ، سروش ، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری ، جلد اول ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات روزنامه رسمی کشور ، ۱۳۷۳ .
- ۲۴- شهری ، غلامرضا و ستوده جهرمی ، سروش ، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری ، جلد دوم ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات روزنامه رسمی کشور ، ۱۳۷۵ .
- ۲۵- فقیه نخجیری ، حسن ، دعوی خصوصی در دادگاه جزا ، تهران ، چاپ داورپناه ، ۱۳۵۱ .
- ۲۶- قربانی ، فرج اله ، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور در امور جزایی ، چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات فردوسی ، ۱۳۸۶ .
- ۲۷- گلدوزیان ، ایرج ، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳) ، چاپ سیزدهم ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۸۵ .
- ۲۸- مکارم شیرازی ، ناصر ، مجموعه استفتات جدید ، چاپ اول ، قم ، مدرسه الامام علی بن ابیطالب ، ۱۳۵۷ .

۲۹- مالمیر، محمود، حقوق جزای عمومی (۳)، چاپ اول، اصفهان، انتشارات نقش مانا، ۱۳۸۴.

۳۰- مالمیر، محمود، تقریرات درس حقوق جزای عمومی (۳)، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۸۵.

۳۱- مالمیر، محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۶.

۳۲- نوربهاء، رضا، نگاهی کوتاه به قانون مجازات اسلامی، مجله تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره های ۱۳ و ۱۴، تهران، ۱۳۷۳.

۳۳- نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادآفرین، ۱۳۷۸.

ب) قوانین

۱- قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

۲- قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶.

۳- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶.

۴- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۵- قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۱.

۶- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱.

- ۷- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ .
- ۸- قانون مجازات عمومی (اصلاحی) مصوب ۱۳۵۲ .
- ۹- قانون مجازات اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ .
- ۱۰- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ .
- ۱۱- قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ .
- ۱۲- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ .
- ۱۳- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ .